

ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره بی به هزار سال مبارزه فرنگی (۴۹)

اسماعیل وفا یغمایی

دوران حکومت اشرف افغان

۱۱۳۷ - ۱۱۴۲ هجری، ۱۷۲۵ - ۱۷۳۰ میلادی
اشرف در سال ۱۱۳۷ هجری تاجگذاری کرد. او هوشیارتر از محمود افغان بود و می دانست حکومت بر یک سرزمین گسترده چون ایران که مردم آن هنوز طعم استقلال و قدرت دوران شاه عباس را از یاد نبرده اند و عوطف ملی و مذهبی شان چریحه دار است کار ساده ای نیست. اشرف سعی کرد با ایرانیان به مدارا رفتار کند به خصوص که فرزند شاه سلطان حسین، طهماسب در قزوین داعیه سلطنت داشت با اینهمه او نتوانست این رویه را ادامه دهد و مجبور شد به سنت محمود افغان برگردد و در وحشت از نفوذ بزرگان به کشتار آنها دست زند. در دوران او دولت عثمانی و دولت روسیه با توجه به شرایط متزلزل ایران قصد قطعه قطعه کردن ایران را به نفع خود داشتند. اشرف در جنگ با عثمانیها پیروز شد اما برای استحکام حکومت خود خلافت پادشاه عثمانی را به رسمیت شناخت و سر انجام با واگذاری بخشهایی از ایران، تجزیه ایران را قبول کرد.

فرار و مهاجرت آخوندهای شیعه در دوران حکومت افغانها

نکته قابل تأمل در این بخش از تاریخ ایران مهاجرت و فرار گسترده آخوندهای شیعه به سرزمینهای آباء و اجدادی آنهاست. پیروزی محمود افغان و زوال دودمان صفوی به معنی پیروزی موقت تسنن بر تشیع بود. ملایان شیعه که خود از عوامل اصلی حمله و هجوم افغانها بودند پس از شکست ارتش صفوی دسته دسته روانه شامات، بحرین، لبنان، عراق عرب و... گشتند و مردم پیرو خود را در مقابل افغانان تنها گذاشتند. این مهاجرت از سال ۱۱۳۵ هجری، ۱۷۲۳ میلادی شروع شد، آخوندهای مهاجر تا سال ۱۲۰۱ هجری، ۱۷۸۷ میلادی یعنی بیش از پنجاه سال و تا دوران پا گرفتن سلسله قاجار و حکومت فتحعلیشاه در سرزمینهای اصلی خود درنگ کردند. علت این درنگ طولانی عدم توجه دولت افشار و

دولت زند به روحانیت و تشیع بود. دوره حکومت افغانها به نوعی دوران جنگ میان تسنن و تشیع بود. در این جنگ هر چه حاکمان شیعه مذهب در گذشته در قتل و کشتار اهل تسنن و به ویژه در هتک نوامیس آنان انجام داده بودند توسط افغانها مقابله به مثل شد. دهها هزار تن از مردم در این مقابله به مثل کشته شدند و در هر شهر و روستای فتح شده زنان و دختران به اسارت گرفته شده و به عنوان کنیز و برده در اختیار جنگجویان افغانی قرار گرفتند.
سپاهیان افغان از آنجا که شیعیان را مسلمان نمی دانستند و فتوای مباح بودن جان و مال و ناموس شیعیان را از علمای خود گرفته بودند از هیچ جنایتی فرو گذار نمی کردند. اسناد به جای مانده از آن دوران چه در رابطه با جنایات دربار شیعه علیه اهل تسنن و چه در رابطه با قتل و عام شیعیان توسط افغانها راوی قصه های بسیار دردناک و غم انگیز است.

پایان کار حکومت افغانها در ایران

حکومت افغانها با پیدا شدن مدعی بسیار نیرومندی بنام نادر قلی افشار با خطر جدیدی روبرو شد که از درون مرزهای ایران خود را نشان می داد. نادر قلی افشار با پیوستن به طهماسب میرزا فرزند شاه سلطان حسین و فتح خراسان با ارتشی که روز به روز بر تعداد آن افزوده می شد به مصاف افغانها شتافت.

جنگ مهماندوست

۱۱۴۲ هجری، ۱۷۲۹ میلادی
نخستین جنگ میان نیروهای نادر قلی افشار و سپاهیان افغان در ششم ربيع الاول سال ۱۱۴۲ هجری مطابق با بیست و نهم سپتامبر ۱۷۲۹ میلادی در حوالی دامغان در مهماندوست گرفت. ارتش سی هزار نفره افغان در این جنگ با رشادت بسیار جنگید اما در مقابل کاردانی نادر و آتش مهیب توپخانه و تهاجم تفنگچیان او شکست خورد. فرماندهی درخشان نادر قلی و روحیه سربازانی که با نیروئی بیگانه می جنگیدند از اصلی ترین عوامل پیروزی در مهماندوست بود. اشرف پس از شکست و بازگشت به اصفهان دستور قتل بیش از سه هزار تن از بزرگان صفوی و قزلباشان را صادر کرد و بخشی از شهر اصفهان را طعمه حریق ساخت.

جنگ مورچه خورت

۱۱۴۲ هجری، ۱۷۲۹ میلادی
پس از جنگ مهماندوست نادر، شاه طهماسب را در دامغان تثبیت کرد و خود به نیابت او روانه جنگی دیگر شد. در تهران هزاران نفر از مردم با شور و هیجان بسیار مسلح شده و به نادر پیوستند. قلب ارتش نادر را سوارکاران و

جنگجویان ایلیاتی که از جنگ پروائی نداشتند تشکیل می دادند. در این جنگ که در تاریخ بیستم ربيع الثانی ۱۱۴۲ هجری مطابق با دوازدهم نوامبر سال ۱۷۲۹ میلادی رخ داد ارتشی از سوی دولت عثمانی به یاری افغانها آمد ولی سپاهیان اشرف علیرغم یاری عثمانی با دادن چهار هزار کشته فرار کردند.
اشرف افغان در هنگام فرار - و بنا بر مندرجات برخی اسناد دیگر در هنگام جنگ با عثمانیها - دستور داد شاه سلطان حسین را که تا این هنگام زنده بود در عمارت آئینه خانه همان تالار گسترده ای که سالیان دراز محل عیش و عشرت و شبهای کامجویی و خوشباشی شاه صفوی بود سر برینند، بعدها سر شاه سلطان حسین را دوباره به بدنش وصل کرده و جسد او را همراه با اجساد دهها شاهزاده صفوی که به قتل رسیده بودند از دروازه طوقچی و باغ قوشخانه به قم برده و در آنجا دفن کردند. بعد از این ماجراها اشرف افغان با کاروانی بزرگ از اموال و ثروتها به سوی شیراز حرکت کرد.

جنگ زرقان

۱۱۴۲ هجری، ۱۷۳۰ میلادی
پس از شکست مورچه خورت اصفهان آزاد شد و شاه طهماسب به اصفهان آمد. نادر پس از گرفتن امتیازات فراوان از شاه طهماسب به مقابله با افغانها در شیراز شتافت. در این هنگام افغانها دوباره ارتش خود را سازماندهی کرده بودند. جنگ در زرقان در حوالی شیراز شروع شد، افغانها به سختی جنگیدند ولی در مقابل نادر که بخصوص بر آتش بی امان تفنگچیان زنده خود اتکا داشت شکست خوردند و در حالیکه خطی گسترده از اجساد را پشت سر می گذاشتند فرار کردند. ارتش نادر از روی ردی از اجساد شتران و اسبان، پیرمردان و پیر زنان مرده و زنان و دختران و کودکانی که در بین راه توسط خانواده خود کشته شده بودند تا به دست سپاهیان نادر نیفتند افغانها را تعقیب کردند. افغانها پس از شکست زرقان به دسته های کوچکی تقسیم شده بودند که سعی داشتند زودتر به موطن اصلی خود باز گردند. در سر راه فراریان، اهالی شهرها و روستاها با هجوم و کشتار فراریان و چپاول اموال و اسارت زنان و دختران آنها انتقام ظلم و ستم سالیان گذشته را باز می ستانند. تهاجم بلوچها که در آغاز طلوع ستاره اقبال افغانها از متحدین افغانها بودند، کار را به آخر رساند. اشرف افغان در بیابان لوت مورد تهاجم بلوچها قرار گرفت و کشته شد. کشندگان اشرف سر بریده او را با الماس بزرگی که در بازو داشت برای شاه طهماسب فرستادند. اشرف افغان در هنگام کشته شدن بیست و نه یا سی ساله بود.

ادامه دارد

فاجعه بیمارستان مهر، اول بشر سپس حقوق بشر

لیلا جدیدی

به گزارش خبرگزاری مهر، روز سوم اسفند، ۱۵ بیمار که در بیمارستان مهر بستری و در انتظار عمل جراحی بودند، بطور ناگهانی جان خود را از دست دادند. بنا بر احتمالاتی، این مرگ ناگهانی به سبب استفاده از داروی بیهوشی بوده است. به دنبال حادثه، خانواده این بیماران طی چند روز گذشته دست به حرکات اعتراضی زده و از خشم نسبت به کارگزاران حکومت، به ساختمان بیمارستان حمله برده و به آن آسیب وارد آورده اند.

در برابر این واقعه هولناک، از جانب مسئولین بیمارستان و مقامات رژیم سکوت کامل اختیار گشته است. بنا به گفته یک پرستار، به دستور مقامات بالاتر و رئیس بیمارستان، هیچ پرستاری حق صحبت در این مورد حتی با خانواده خود را ندارد.

اینکه به یاری دولتهای اروپایی مسئله نقض حقوق بشر از روی میز حقوق بشر سازمان ملل کنار گذاشته می شود برای مردم ایران که تحت ستم رژیم ولایت فقیه زندگی می کنند، به این مفهوم خواهد بود که مناسبات قرون وسطایی جمهوری اسلامی از سوی "دنیای مدرن" به رسمیت شناخته شده و رسیدگی به شرایطی که این حکومت در زمینه حقوق بشر بوجود آورده است، هنوز زود است. روی دادن این فاجعه بزرگ و سپس رویگردانی و گریز مسوولان رژیم از پاسخگویی برای سرپوش گذاشتن بر آن، نهایت و حشیگری و بی کفایتی رژیم جمهوری اسلامی است.

روز جمعه چهارم اردیبهشت ماه، لاریجانی، سخنران پیش از خطبههای نماز جمعه تهران، پیرامون حقوق بشر گفت: "حقوق بشر محور شکستن مقاومت اسلامی است و حتی در کشور ما نیز برخی جریانات دانشجویی، حقوق بشر را به عنوان چارچوب تحرک اعلام

بقیه در صفحه ۱۹